

کدام سیاست؟

سازگاری برنامه تحول کشاورزی با رویکرد جهادی؟

یکی از بخش‌های مهم اقتصاد ایران بخش کشاورزی است؛ دولت و مجموعه حاکمیت از موضوع خودکفایی می‌گوید و کارشناسان از فاصله برنامه توسعه کشاورزی ایران با برنامه‌های جهانی، در این مقاله این تناقض بررسی شده است.



فاطمه پاسبان
عضو هیئت علمی موسسه
پژوهش‌های برنامه‌برزی و
اقتصاد کشاورزی

دولت به سرانجام نرسیده و چه بسا دولت را وارد روزمرگی و دور شدن از وظایف اصلی خود برای پیاده‌سازی حکمرانی خوب می‌کند. از این و نقش‌آفرینی دولت‌ها بعنوان یک بازیگر مهم یک واقعیت و یک جنبه غیرقابل حذف از اقتصاد ایران و اقتصاد کشاورزی و رستایی است. در شرایط کونی و دنیای بر از مخاطرات قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی نیاز است تا به طور جدی نگاه سیاست‌گذاران به اقتصاد کشاورزی تغییر یافته و آن را به عنوان اکو‌سیستم پیچیده، چندبعدی، تحول‌پذیر، داشت محور، تائیرگذار و تأثیرگذیر بدانند. اکو‌سیستمی که باستی همه اجزای لازم برای چرخه حیات تکمیل باشد و از هیچ عنصری که می‌تواند حیات اکو‌سیستم را در جریان چالش یا باعث آسیب یا شکست آن شود، غفلت نشود. عناصر در اکو‌سیستم باستی در تعامل سازنده و همانگ باهم بوده و وظیفه شناخت دقیق اجزای اکو‌سیستم و برقراری تعامل و ارتباط بین آن‌ها برای رسیدن به اهداف تعريف شده با سیستم است. اگر این گونه به توسعه پایدار کشاورزی و رستایی نگاه سیاست‌گذاران ضرورت دارد از شعار «باید»ها» دست بردارند و به «جه نبایستی کرد» بپردازند و از دخل و تصرف‌های دستوری، ناسازگار و خارج از ارتباطات اکو‌سیستم پرهیز نمایند. باید این باور ایجاد شود که طرز تلقی از اقتصاد و توسعه پایدار در عرصه سیاست‌گذاری نیاز به بازنگری دارد. نگاهی به ادبیات موضوع در خصوص نقش دولت در اقتصاد و توسعه پیش‌بینگر این است که دخالت دولت منافع و ضررهایی دارد و بنابراین رویکرد دولت باستی دخالت حاصلی و مشروط برای دستیابی به اهدافی روش، شفاف و دست یافتنی باشد. حاکمیت و دولت تنها یک بازیگر معمولی نبوده و حضور آنان تأثیرگذار بر اعاده مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است از این رو پایستی به شدت تأثیر دخالت و حضور حاکمیت سنجیده و ارزیابی شود در اکو‌سیستم ردپای حضور آنان بررسی و تحلیل شود. سیاست‌های روزمرگی برای پاسخ به آشتفتگی یک بازار با یک فعالیت، خود باعث برهم خودن تعادل اکو‌سیستم شده به جای نظم‌دهی و کارآمدی عامل بی ثباتی می‌شود. اگرچه کارایی و انگذاری حضور دولت و حاکمیت در اکو‌سیستم توسعه پایدار کشاورزی و رستایی شرط لازم حکمرانی خوب است اما شرط کافی نیست و سازگاری و انطباق سیاست‌های مختلف باهم در راستای اهداف مشخص و دست‌یافتنی، ضرورتی حیاتی است.

با توجه به همین ضرورت، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت سیزدهم و برنامه تحول کشاورزی ایران با رویکرد جهادی پایستی ضمن کارآمدی، سازگاری و انطباق با هم داشته باشند. رویکرد دولت سیزدهم در خصوص سیاست‌های مختلف از جمله پولی، مالی، ارزی، تجاری، حمایتی، بودجه‌ای، بانکی، خارجی و ... شفاف و روشی بین بانشده که به کدام سمت و سو فرار است سکان توسعه پایدار کشور حرکت داشته باشد و با منابع موجود و بالقوه کشور سازگار نیست و دارای پارادوکس‌های درونی است. این شرایط در کنار اظهار نظرات مختلف در خصوص هدف‌های کمی تعیین شده در افق چهارساله دولت سیزدهم (به عنوان مثال کل نیاز ارزی کشور از طریق صادرات غیرنفتی تأمین خواهد شد، میانگین نرخ رشد اقتصادی بدون نفت و با تاکید بر ارتقای بهره‌وری به بالای ۵ درصد خواهد رسید، تا سال ۱۴۰۴ صادرات غیرنفتی حداقل ۲ برابر خواهد شد، سهم صادرات غیرنفتی به کشورهای همسایه حداقل ۲ برابر خواهد شد و...) نگرانی‌های بسیاری را به

بخش کشاورزی ایران با مشکلات عدیدهای رویه‌روست که حاصل و پیامد سال‌ها سوء‌مدیریت در این بخش و فقدان یک عزم ملی راسخ برای رفع مشکلات و ارتقای کارآمدی آن است. این بخش به عنوان بخش استراتژیک اقتصاد، تأمین کننده غذا برای جمیعت کشور و مواد اولیه برای سایر فعالیت‌های اقتصادی است. توسعه بخش کشاورزی و رونق فعالیت‌های آن با یک ارزاسیاستی میسر نمی‌شود، چرا که به دلایل مختلف از قبیل ریسیک زیاد تولید و درآمد، نیاز به فناوری‌های جدید برای افزایش بهره‌وری و کارایی، کوچک بودن اراضی و پایین بودن سطح درآمدی و پس اندازی بهره‌داران، تغییر کاربری اراضی، نوسانات قیمت بازار، رانت وارداتی محصولات کشاورزی، فاچاق محصولات کشاورزی، کیفیت پایین خاک و نشت زمین و نیز تغییرات آب و هوایی و اقلیم و هزاران مسئله دیگر نیازمند بسته حمایتی منطقی و هدفمند دولت و حاکمیت است. در کشورهای پیشرفته بیش از ۱۰ نوع ابزار حمایتی مناسب با محصول توییدی برای توسعه و پیشرفت پایدار بخش کشاورزی در اختیار می‌گیرند. در واقع دولتها با محصول توییدی برای توسعه و ارائه خدمات کشاورزی در جهاد کشاورزی و تدوین سیاست‌های دولتی خواهد بود. این مقاله را می‌خوانید

چرا باید خواند:
اگر علاقه‌مند هستید
که بدانید برنامه‌های
وزیر جهاد کشاورزی
در حوزه اقتصاد
کشاورزی چه
جزئیاتی دارد و چه
مسئلۀ طی خواهد
کرد، این مقاله را
بخوانید

ساماندهی و قانون مداری زنجیره ارزش محصولات اساسی نه به فوریت و نه در شرایط موجود که فساد و رانت و انحصار و ناکارآمدی گستره از تأمین نهاده تا سفره و بازارهای جهانی برقرار است پسادگی ممکن نیست و نیازمند الزامات و بسترسازی در طول زمان است.

۲ این احتمال وجود دارد که با افزایش تورم، ارزش پول ملی کاهش بیشتر باید و به خصوص اگر موضوع تحریم و برجام وافای تی اف حل نشود نوسانات ارزی برقرار باشد. با کاهش ارزش شدید پول ایران طی سال های گذشته، سرمایه گذاران به جای انتقال وجهه خود به فعالیت های تولیدی، به خرید ارزهای خارجی، ارزهای رمزپایه و طلا روی آوردن، حال چگونه ممکن است با سیاست های انساطی دولت انجیزه ورود سرمایه و سرمایه گذاران را به بخش کشاورزی که از کمبود سرمایه رنج می برد مهبا نمود؟ به عبارتی چگونه دولت قرار است برنامه تحول کشاورزی را عملیاتی کند؟ این سازگاری و انتظامی ورود سرمایه به بخش کشاورزی چگونه از دولت سیاست های اقتصادی و سیاست های خارجی دولت مهیا خواهد شد. طی سال های گذشته، کاهش قابل توجه ارزش پول ایران منجر به خروج سرمایه ۲۷۸ میلیارد دلاری شد و جلوگیری از خروج سرمایه از یک سو و ایجاد جدایی در بخش کشاورزی برای ورود سرمایه با سیاست های دولت قابل جمع نیست. دولت قرار است با کاهش اتفاقاً کاهش در آمدهای مالیاتی و اتفاقاً درآمدهای صادراتی بودجه خود را تأمین مالی نماید. دستیابی به چین اهدافی بسیار سخت و دشوار است و اگر چنین نشد دولت با کسری بودجه مواجه شده که خود عامل تورم راست و از طرف دیگر دولت چطور خواهد توأم بوده و عده های خود برای تحول بخش کشاورزی از جمله اعطای بارانه برای افزایش بهرهوری، مکانیزاسیون و فناوری عمل نماید؟ تکاهی به بودجه سال های بخش کشاورزی و روسایی حاکی از آن است معمولاً فشار تورمی بر بودجه و ایجاد کسری بودجه به بخش تحقیقات و توسعه، آموزش و تربیت رسیده که توسعه پایدار کشاورزی را به خطر انداخته که امروزه شاهده آثار و نتایج آن هستیم.

۳ دولت وعده کاهش ۲۰ درصدی قیمت نان، مرغ، گوشت، روغن، شکر و... از طریق استقرار کامل مدیریت زنجیره تأمین کالاهای اساسی و ساماندهی زنجیره تأمین نهاده ها با ارز ۴۲۰ تومانی برای حمایت از تولید کنندگان را داده است. ضمن ایراداتی که به موضوع ارز بارانه ای مطرح است که چگونه مانع رانت و فساد شده و با چه مکانیزم کارآمدی توزیع خواهد شد، این سؤال مطرح است با توجه به سیاست های انساطی و افزایش تورم تولیدی از چه طریقی قرار است قیمت محصولات اساسی کاهش باید، آیا مستوری است یا مطابق با هزینه تمام شده محصول؟ در ضمن ساماندهی و قانون مداری زنجیره ارزش محصولات اساسی نه به فوریت و نه در شرایط موجود که فساد و رانت و انحصار و ناکارآمدی گستره از تأمین نهاده تا سفره و بازارهای جهانی برقرار است به سادگی ممکن نیست و نیازمند الزامات و بسترسازی در طول زمان است، بنابراین نمی توان انتظار داشته باشد. پس انتظار دولت برای کاهش قیمت با توجه به سیاست های انساطی و ابانت مشکلات بخش کشاورزی از چه مسیری است؟

جدول ۱: شاخص های کلیدی برنامه تحول کشاورزی		
شاخصها		
۱۴۰۴	۱۴۰۰	تولید محصولات کشاورزی (میلیون تن)
۱۶۵	۱۲۹	سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳,۷	۱۱,۶	درآمد سرانه کشاورزی (میلیون تومان در سال)
۲۰	۱۰	سرانه صادرات کشاورزی (دلار در سال)
۳۴	۱۷	سطح پوشش کشاورزی قراردادی (درصد)
۲۰	کمتر از یک	سطح زیر کشت دیم (میلیون هکتار)
۱۰	۴,۴	ضریب مکانیزاسیون (سی٪ بخار در هکتار)
۲,۲	۱,۷	میانگین صدور مجوزهای کسب و کارهای کشاورزی (درصد)
۸۰	۴۵	سهم فعالیت های کشاورزی در تأمین درآمد کشاورزان (درصد)
-۲	-۴,۷	تراز تجاری (میلیارد دلار)

همراه دارد که فضای غبارآلودی را برای دستیابی به اهداف برنامه تحول کشاورزی ایران با رویکرد جهادی به وجود خواهد آورد و به ناچار دولت به سمت روزمرگی تصمیم سازی پخش کشاورزی را یکساند. گرچه برنامه تحول کشاورزی ایران با رویکرد جهادی و زیر جهاد کشاورزی خود از ابهام و منطبق نبودن بر واقعیت های موجود و آینده نگری رنج می برد که می توان به مهم ترین آن ها یعنی نگاه و اندیشه مفهومی حاکم بر این برنامه اشاره کرد که نتوانسته است به جمع اهداف متضاد با چارچوب مفهومی و اندیشه ای مناسب و متناسب با آن پاسخ دهد. به طوری که از یک طرف بر مبنای بعده بردازان تکیه دارد که قیمت گذاری رفاه آنان را تأمین نمی ازدی از یک طرف بر تنظیم بازار و کنترل دولتی تکیه داد و از طرفی به امنیت غذایی (که به یقین منظور مولفه های این شاخص است که یکی دسترسی فیزیکی و اقتصادی) است تکیه دارد، از یک طرف به خوداتکایی از یک طرف به خودگذاری و از طرف دیگر بر تولید صادرات محور توجه نموده و از طرف دیگر دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) ... اما نتوانسته است با یک چارچوب مفهومی بیان نماید چگونه قرار است همه این اهداف یکجا در دوره چهارساله اتفاق افتد که برآیند آن افزایش رفاه تولید کننده و تمامی بازیگران زنجیره ارزش و از جمله مصرف کننده باشد و هم به صیانت از منابع طبیعی و پایه منزه شده و هم خلق ثروت نموده و هم دیپلماسی اقتصادی و آب ایجاد نمایند. از این منظر برنامه انسجام کارکردی و ماهوی ندارد. جدای از اینکه هنوز این سوالات مطرح است که آیا بایستی کشور خود کفا باشد و هم در چه مخصوصاتی؟ با چه راهبردی و چرا؟ آیا تطبیق بازار با شکل و ساختار کنونی آن لازم است، چرا؟ چطور در این ساختارهای فعلی رقبلت شکل بگیرد و انحصار و رانت از بین برود؟ ... با تمامی نقدهایی که درباره برنامه تحول کشاورزی با رویکرد جهادی مطرح است اما ممکن است در فضای اکوسیستمی با سیاست های دولت سبزدهم مهمنم ترین تعهداتی که رئیس انتظامی نداشته باشد. برای نمونه به چند مورد اشاره می گردد. مهم ترین تعهداتی که رئیس جمهور با مردم در میان گذاشته است از جمله دادن وام با بهره که به خانوارهای فقری که در نیمه پایین توزیع درآمد هستند، افزایش بارانه های دولت برای مرابت های بهداشتی و نصف کردن سهم خانوارها در هزینه های پژوهشی و سلامت از ۴۳ درصد به ۲۰ درصد، ساخت ۴ میلیون مسکن، ایجاد ۴ میلیون شغل و دادن اولویت شغلی به افراد کم درآمد و فلاغ التحصیلان، و کاهش سهم هزینه مسکن در سبد خانوار از ۵۰ درصد به ۳۰ درصد، کاهش پلکانی مالیات بر عملکرد واحد های تولیدی، سیاست های پولی و مالی انساطی است که با رویکرد اکوسیستمی بر اهداف برنامه تحول بخش کشاورزی می تواند تأثیر گذارد باشد و ناهمخوانی و ناسازگاری را به نمایش می گذارد:

۱ کشور طی چند سال گذشته از افزایش شدید تورم هم در بخش مصرفی و هم تولیدی روبرو بوده است و سیاست های انساطی دولت بر رشد تورم هم در بخش خواهد دشت و گذار خواهد بود و در صورتی که رشد تورمی فراینده کنترل و مدیریت نشود امکان دستیابی به اهداف برنامه تحول کشاورزی که نیازمند سرمایه گذاری به منظور افزایش بهرهوری، افزایش ضریب مکانیزاسیون، افزایش صادرات، افزایش سرمایه و... مشکل خواهد شد. افزایش تورم مزبت رقابتی و اندیزه ورود سرمایه به بخش کشاورزی و... مشکل و به طور یقین دستیابی به سیاری از شاخص های اصلی این برنامه که به طور خلاصه به برخی از آنها در جدول ۱ اشاره شده است، دشوار و سخت، دشوار و سخت و گاهی غیر ممکن می شود. این سؤال برای مخاطب مطرح است که قرار است چگونه و با چه فرآیندی سیاست های انساطی نشده و حتی آن را کاهش دهد؟ لازم به ذکر است که دولت سبزدهم قول داده است در طول زنجیره ارزش را کاهش دهد؟ لازم به ذکر است که دولت سبزدهم قول داده است که تورم را در سال ۲۰۲۳ به زیر ۱۵ درصد کاهش دهد و در سال ۲۰۲۴ به نزد تورم تک رقمی برسد، اما در مقابل با افزایش هزینه های دولت (افزایش بارانهها...) این امر را تردید مواجه می سازد به خصوص که اقتصاد ایران در شرایط رکود تورمی است. به طوری که اگر سیاست انساطی برای خروج از رکود در نظر گرفته شود تورم افزایش می باید و بالعکس و مشخص نیست برنامه اقتصادی دولت هدفگذاری آن بر تکثر خی شدن تورم و افزایش تولید هم زمان با هم با چه رویکردی است.